

Jurisprudential and Legal Analysis of Loss of Profit in Organizations and Methods of Compensation*

Mahdi Shushtari 

Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, Shahid Mahallati Higher Education Complex, Qom, Iran
mahdishoshtari@chmail.com



Abstract

The issue of compensating damages arising from loss of profit has long been one of the enduring and complex challenges in Imamiya jurisprudence and the contemporary Iranian legal system, particularly within the context of legal relations among institutions and organizations. With the expansion of economic interactions, organization-centered contracts, and institutional obligations, the importance of this issue has increased significantly. This article aims to provide a critical and comparative analysis of the possibility of compensating this type of damage within the frameworks of Imamiya jurisprudence and Iranian law, focusing on the capacity of principles such as *la darar* (no harm), causation (*tasbib*), direct liability (*itlaf*), rational practice (*sirah al-‘uqala’*), and the ruling of reason. First, the conceptual definition of “loss of profit” and its relationship with the notions of “material damage” and “probable harm” are examined. In the jurisprudential section, through a documented and comparative analysis of both dominant and non-

* Shushtari, M. (2025). A jurisprudential and legal analysis of non-benefit (*adam al-naf’*) in organizations and strategies for compensating losses. *Fiqh*, 32(4), 7–34.

<https://doi.org/10.22081/jf.2026.71937.2929>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/05/20 • **Revised:** 2025/09/24 • **Accepted:** 2026/01/25 • **Online Publication:** 2026/01/28

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



dominant views among Imamiya jurists, it is demonstrated that although the prevailing opinion denies liability for the deprivation of benefits, reliance on the aforementioned jurisprudential principles allows for the defensibility of accepting jurisprudential liability in specific cases—particularly where the benefit is definite and reasonably expected. Subsequently, in the comparative section, Roman–Germanic legal systems, Common Law, and international instruments such as the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG) are examined, and their capacities to reinforce the jurisprudential and legal foundations are analyzed. The article’s originality lies in its systematic rereading and clarification of the capacities of jurisprudential principles to address legal gaps in the field of organizational liability and to reconstruct the theory of liability for loss of profit. The conclusion is that rethinking the interpretive principles of Imami jurisprudence and modernizing the law of civil liability can provide a basis for regulating fair relations within organizations and for enhancing contractual justice and institutional trust in the Iranian legal system.

Keywords

Compensation for loss of profit; probable harm; liability for loss of profit; contractual justice.

تحلیل فقهی و حقوقی عدم‌النفع در سازمان‌ها و راهکارهای جبران خسارت‌ها*

مهدی شوشتری 

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران.
mahdishoshtari@chmail.com



چکیده

موضوع جبران خسارت ناشی از عدم‌النفع از چالش‌های دیرینه و پیچیده در فقه امامیه و نظام حقوقی معاصر ایران است، بویژه در بستر روابط حقوقی میان نهادها و سازمان‌ها که با گسترش تعاملات اقتصادی، قراردادهای سازمان‌محور و الزامات نهادی، اهمیتی روزافزون یافته است. این مقاله با هدف تحلیل انتقادی و تطبیقی امکان جبران این نوع خسارت، در چارچوب فقه امامیه و حقوق ایران، با تمرکز بر ظرفیت قواعدی نظیر لاضرر، تسبیب، اتلاف، سیره عقلایی و حکم عقل نگاشته شده است. در ابتدا، تعریف مفهومی «عدم‌النفع» و نسبت آن با مفاهیم «خسارت مادی» و «ضرر احتمالی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش فقهی، با تحلیل مستند و مقارنه‌ای آرای مشهور و غیرمشهور فقهای امامیه، نشان داده می‌شود که هرچند قول غالب بر عدم‌ضمان در تفویت منافع است، اما با استناد به قواعد فقهی مزبور، امکان پذیرش مسؤولیت فقهی در موارد خاص (بویژه نفع مسلم و متوقع) قابل دفاع است. در ادامه، در بخش تطبیقی، نظام‌های رومی-ژرمنی، کامن‌لا و اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) بررسی شده و ظرفیت‌های آنها در تقویت مبانی فقهی و حقوقی تحلیل شده است. نوآوری

* شوشتری، مهدی. (۱۴۰۴). تحلیل فقهی و حقوقی عدم‌النفع در سازمان‌ها و راهکارهای جبران خسارت‌ها. فقه، ۳۲(۴)، صص ۷-۳۴.

<https://doi.org/10.22081/jf.2026.71937.2929>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

© ۱۴۰۴ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



مقاله در بازخوانی و تبیین نظام‌مند ظرفیت‌های قواعد فقهی برای رفع خلأ قانونی در حوزه مسئولیت سازمانی و بازآفرینی نظریه ضمان عدم‌النفع است. نتیجه آنکه، بازاندیشی در اصول تفسیری فقه امامیه و نوسازی قانون مسئولیت مدنی، می‌تواند مبنای تنظیم روابط منصفانه در سازمان‌ها و ارتقای عدالت قراردادی و اعتماد نهادی در نظام حقوقی ایران باشد.

کلیدواژه‌ها

جبران خسارت عدم‌النفع، ضرر احتمالی، ضمان عدم‌النفع، عدالت قراردادی.

مقدمه

در جهان امروز، سازمان‌ها به مثابه بازیگران اصلی روابط حقوقی و اقتصادی، در معرض مخاطرات گوناگونی قرار دارند که یکی از مهمترین آنها، تفویت منافع مشروع و قابل انتظار است؛ وضعیتی که در ادبیات فقهی و حقوقی از آن به عنوان «عدم النفع» یاد می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۵۰۷). عدم النفع را به درستی به معنای فقدان منافع مشروع و متوقع تعریف کرده است. در بستر سازمانی، عدم النفع می‌تواند پیامد تصمیمات نادرست، ترک فعل و تأخیر در اجرا یا نقض تعهدات نهادی باشد و آثار مالی و حقوقی سنگینی برای ذی‌نفعان به همراه داشته باشد؛ از جمله تزلزل جایگاه رقابتی، کاهش بهره‌وری و افزایش دعاوی حقوقی.

با وجود اهمیت روزافزون این مسئله، مطالعات موجود یا نگاه صرفاً حقوقی و انتزاعی به موضوع دارند، یا از منظر فقهی نتوانسته‌اند تحلیلی منسجم و ناظر به بستر سازمانی ارائه دهند. به عنوان نمونه، در پژوهش بهرامی احمدی (۱۳۹۱)، عدم النفع در قالب کلی ضمان قهری بررسی شده، ولی به نقش قواعد فقهی در روابط نهادی اشاره‌ای نظام‌مند نشده است. در اثر رنجبر (۱۳۸۷) هرچند به دیدگاه‌های فقه‌های امامیه پرداخته شده، اما مباحثی مانند قاعده لاضرر، تسبیب و اتلاف تحلیل تفصیلی و قابل تطبیق با سازمان نیافته‌اند. همچنین، مطالعه زنگنه شهرکی (۱۳۹۷) بیشتر ناظر بر خسارت تأخیر تعهدات قراردادی است و فاقد تحلیل فقهی استوار است. در حوزه فقه اهل سنت نیز، آثاری چون «الضمان فی الفقه الاسلامی» نوشته محمدحسن هیتو، بیش از آنکه به از دست دادن منفعت پردازند، بر اتلاف و ضمان در معنای خاص تمرکز دارند.

این مقاله در پی آن است که با تحلیل انتقادی مبانی فقه امامیه، به بازخوانی قواعد بنیادینی چون لاضرر، تسبیب، اتلاف، ید، تعدی و تفریط در بستر روابط سازمانی پرداخته و امکانی برای پذیرش جبران عدم النفع متوقع در چارچوب اجتهادی معاصر فراهم آورد. نوآوری مقاله در آن است که نه تنها از ظرفیت مغفول قواعد فقهی بهره می‌گیرد، بلکه آنها را در زمینه خاص روابط سازمانی و منازعات حقوقی ناظر به منافع تفویضی، بازتفسیر می‌کند.

ضرورت این پژوهش از چند جهت قابل تبیین است: نخست، خلأ جدی در نظام قانون‌گذاری ایران در زمینه جبران عدم‌النفع و عدم وجود معیارهای مشخص برای اثبات آن؛ دوم، ابهام و تعارض در دیدگاه‌های فقهی در تمایز میان ضرر محقق و ضرر متوقع؛ سوم، نیاز رو به رشد سازمان‌ها به پشتوانه‌های نظری برای اثبات مسؤولیت در قبال ترک فعل‌ها یا تأخیرهای زیان‌بار (ر. ک. صفایی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰؛ بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۲).

در این مقاله، «فقه» به معنای خاص فقه امامیه است، اما در بخش تطبیقی به آرای برخی مکاتب اهل سنت نیز اشاره خواهد شد. روش تحقیق به صورت تحلیلی توصیفی است و از منابع اصیل فقهی، حقوقی و نیز اسناد بین‌المللی همچون CISG برای مقایسه تطبیقی بهره برده می‌شود. سؤال اصلی پژوهش چنین است:

آیا در فقه امامیه و حقوق ایران، جبران خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل پذیرش است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، کدام قواعد فقهی و اصول حقوقی می‌توانند مبنای این مسؤولیت قرار گیرند و چگونه می‌توان آن را در حوزه سازمان‌ها پیاده‌سازی کرد؟

مفهوم سازمان و ارتباط آن با عدم‌النفع

سازمان، در ساده‌ترین تعریف، مجموعه‌ای نظام‌مند از افراد، منابع و فرآیندهاست که برای تحقق اهداف مشخص اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی شکل گرفته است. ساختار سازمانی، مبتنی بر روابط رسمی و هدفمند، جایگاه حقوقی مستقلی برای اشخاص حقوقی فراهم می‌سازد که تحقق منافع و انتفاع، بخش اساسی از کارکرد آنها به‌شمار می‌رود (عباسی، ۱۳۹۱، ص ۵۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۹۰). از این رو، هرگونه اخلال در فرایند تحقق منافع مشروع پیش‌بینی شده، خواه ناشی از ترک فعل یا فعل زیان‌بار دیگران باشد، می‌تواند مصداقی از تفویت منفعت یا «عدم‌النفع» تلقی گردد. در عصر کنونی که فضای رقابتی، قراردادهای پیچیده و برنامه‌های راهبردی در سطح کلان، بخشی جدانشدنی از فعالیت سازمان‌هاست، ممانعت از تحقق منافع مورد انتظار می‌تواند آثار مالی و اعتباری جدی به دنبال داشته باشد (سید فاطمی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۲). از منظر فقهی نیز، در مواردی که تفویت منفعت متوقع و نه محتمل به صورت غیرمجاز تحقق یابد، پرسش از ضمان و

امکان جبران خسارت مطرح می‌شود، بویژه در جایی که سازمان‌ها به‌عنوان شخصیت حقوقی متضرر شناخته شوند. در چنین بستری، بازخوانی قواعدی چون «لا ضرر، تسبیب، ید و سیره عقلا» با در نظر گرفتن اقتضائات ساختاری و اقتصادی سازمان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تبیین ضمان عدم‌النفع در بستر سازمانی است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۸۷؛ صدر، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۵۱).

مبانی نظری جبران خسارت عدم‌النفع

جبران خسارت ناشی از عدم‌النفع یکی از موضوعات پرچالش در حوزه مسئولیت مدنی و فقه اسلامی است. این نوع خسارت به معنای از دست رفتن منافع مشروع، قابل انتظار و غالباً مسلمی است که اگر فعل زیان‌بار یا ترک تعهد رخ نمی‌داد، به‌طور معمول تحقق آنها در بستر روابط حقوقی - اقتصادی متوقع بود.

در این مقاله، عدم‌النفع بویژه در چارچوب روابط سازمانی و قراردادی بررسی می‌شود، جایی که نفع تفویضی به‌طور معمول ناظر به فرصت‌های از دست رفته تجاری، پیمانکاری یا خدماتی در ساختارهای رسمی است. این تمایز با وضعیت‌های فردی یا غیرسازمانی، در تحلیل مسئولیت اهمیت بسزایی دارد.

از منظر فقهی، حقوقی و اقتصادی، نظریه‌های متنوعی در این زمینه وجود دارد که شناخت آنها برای تحلیل صحیح موضوع ضروری است. از منظر فقه امامیه، یکی از مهمترین مبانی نظری، قاعده لا ضرر است. این قاعده که برگرفته از روایت نبوی مشهور «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است، به‌عنوان مبنایی فراگیر برای نفی احکام ضرری و لزوم جبران انواع خسارت، از جمله تفویض نفع، تفسیر شده است.

لذا برخی فقهای معاصر اطلاق این قاعده را شامل ضررهای مالی، حیثیتی و حتی تفویض منافع دانسته و تصریح می‌کنند که می‌توان آن را مبنای جبران عدم‌النفع نیز قرار داد (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۰۲).

امام خمینی رحمه‌الله نیز در «تحریر الوسیله» با اشاره به امکان تحقق ضرر از رهگذر ترک فعل یا تأخیر، محرومیت از منافع مشروع را قابل جبران می‌داند، بویژه اگر منافع براساس

عرف و عقلا قابل تحقق محسوب شوند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶).

علاوه بر لاضرر، قاعده ضمان ید، قاعده تفویت و قاعده اتلاف (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۸۴)، نیز در صورت تحقق شرایط خاص، می توانند مبنای جبران عدم النفع قرار گیرند.

برخی فقها مانند خوئی بر آن اند که قاعده ید ناظر به اتلاف عین است و منافع، مگر در فرض استیفاء، تحت شمول آن نیستند (خوئی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶). در مقابل، شهید مدرس (۱۴۰۸ق، ص ۱۱۰) با تفسیر موسع از قاعده اتلاف و استناد به سیره عقلایی، بر امکان ضمان در تفویت منافع مسلم که از آن به نفع متوقع در مقابل نفع محتمل یاد می شود، تأکید می ورزد. مستفاد از نظر ایشان، در بستر قراردادهای سازمانی مانند اجاره، پیمانکاری، یا تأمین خدمات، تفویت منافع می تواند به مثابه اتلاف تلقی شود.

سیره عقلایی نیز از دیگر مبانی مهم در این زمینه است. عقلا در عرف متداول اقتصادی، تلف منافع مسلم را، حتی پیش از تحقق فیزیکی، مصداق ضرر دانسته و ضامن را ملزم به جبران آن می دانند. این سیره عقلایی که بر عدالت ترمیمی و اصل انصاف مبتنی است، در برخی فتاوی فقهی مورد توجه قرار گرفته است.

برای مثال، بجنوردی (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴) و مدرس (۱۴۰۸ق، ص ۱۱۰) در آثار خود، امکان ضمان در زمینه منافع فوت شده مانند فرصت های تجاری را پذیرفته اند. افزون بر مبانی فقهی، اصل جبران کامل خسارت در حقوق قراردادهای نیز جایگاه برجسته ای دارد. این اصل که زیان دیده باید به وضعیتی باز گردد که اگر تعهد نقض نشده بود در آن قرار می گرفت، در نظام های حقوقی رومی-ژرمنی و کامن لا، مبنای اساسی ارزیابی خسارت محسوب می شود (Treitel, 2003).

این اصل، هرچند برخاسته از دکترین های حقوقی غربی است، اما از منظر عقلایی و اصول عدالت محور فقه امامیه نیز قابل انطباق و دفاع پذیر است.

در بعد اقتصادی، عدم جبران خسارت ناشی از عدم النفع ممکن است به کاهش اعتماد عمومی به نهادها، تضعیف انگیزه های تولیدی، و افزایش هزینه های ناشی از ریسک و دعاوی قضایی منجر شود.

بادینی (۱۳۸۴، صص ۳۲۵-۳۲۲)، با بررسی کارکرد بیمه‌های تجاری در جبران عدم النفع، بر ضرورت پذیرش این نوع خسارت در سطح سازمانی تأکید دارد.

در مجموع، مبانی نظری جبران عدم النفع ترکیبی از اصول فقهی همچون لاضرر، اتلاف، سیره عقلایی، حکم عقل، و نیز اصول حقوقی نظیر اصل جبران کامل خسارت است.

تحلیل دقیق این مبانی در بستر روابط سازمانی، امکان ارائه راهکارهای مؤثر برای تدوین مقررات نوین و کارآمد در حوزه مسئولیت مدنی و تجدیدنظر در رویه‌های قضایی را فراهم می‌سازد.

همچنین امامی (۱۳۷۷، ص ۵۷۶)، بر اهمیت تشخیص قابلیت تحقق عرفی و اقتصادی منافع در تفکیک میان عدم النفع و «توهم نفع» تأکید دارد.

اما در فقه اسلامی، اصطلاح «عدم النفع» به صراحت در منابع اولیه نیامده است، اما با مفاهیمی مانند «تفویت منافع»، «ضمان حبس»، و «عدم استیفای منافع مشروع» پوشش داده شده است.

در آثاری مانند «جواهر الکلام» نجفی و «مصابح الفقاهه» خویی، بحث از ضمان در تفویت منافع انسان آزاد یا در مواردی مانند حبس بدون استیفا مطرح شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۱۵؛ خویی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶).

امام خمینی رحمته الله علیه تفکیکی ظریف ارائه می‌کند: «اگر کسی موجب حبس فردی شود اما از منافع او استفاده نکند، ضمانی نیست، ولی اگر استیفای منفعتی در میان باشد، ضمان تحقق می‌یابد» (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶).

این تفکیک نشان می‌دهد که در فقه، تحقق عینی یا استیفایی منفعت، نقش کلیدی در احراز ضمان دارد؛ اما همین دیدگاه در ساختارهای مدرن سازمانی، با چالش‌هایی نظیر قابلیت برآورد عرفی منافع، بروز یافته و نیازمند بازخوانی است.

در فضای سازمانی، عدم النفع معمولاً ناظر به فرصت‌های ازدست‌رفته‌ای است که قابل سنجش اقتصادی بوده و مستند به شواهد عملکردی (مانند قراردادهای معوق، روند سوددهی، یا ظرفیت عملیاتی) می‌باشد.

از این رو، در تحلیل فقهی این نوع خسارت نیز، باید زمینه تحقق منافع در قالب روابط نهادی و عقلایی سازمان‌ها در نظر گرفته شود.

از طرفی دیگر خسارت ناشی از عدم‌النفع در اصطلاح متعارف، به معنای محرومیت از منفعی است که فرد یا سازمان در شرایط عادی می‌توانست به آنها دست یابد، اما در نتیجه فعل زیان‌بار یا ترک تعهد، این منافع عملاً تفویت شده‌اند.

جعفری لنگرودی (۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۵۰۷)، این مفهوم را ناظر به منفعی می‌داند که احتمال تحقق آنها قوی، مبتنی بر قرائن و روند طبیعی امور، و مشروع باشد.

در تعریفی که بهرامی احمدی (۱۳۹۱، ص ۱۸۱) ارائه می‌دهد، عدم‌النفع به معنای فوت منافع مسلم و مشروعی است که به دلیل مداخله غیرقانونی یا نقض تعهد از سوی دیگری محقق نشده‌اند. این تعریف از حیث فقهی، باید با تحقق «تفویت» یا «اتلاف منفعت» منطبق باشد؛ زیرا صرف عدم تحقق، بدون وجود سبب قوی، موجب ضمان نمی‌شود.

همچنین باید تفاوت میان خسارت عدم‌النفع، خسارت مادی و خسارت معنوی تبیین شود. خسارت مادی ناظر به آسیب به اموال بالفعل است، در حالی که خسارت عدم‌النفع به فوت مال و نفع بالقوه برمی‌گردد. خسارت معنوی نیز به لطمه‌های وارد بر حیثیت یا شخصیت فرد مربوط است (رنجبر، ۱۳۸۷، ص ۵۹). این تمایز برای تحلیل فقهی دقیق ضروری است، چراکه احکام ضمان و قاعده اتلاف برای هر نوع از این خسارت‌ها ممکن است متفاوت باشد.

از منظر فقهی، بویژه در زمینه حقوق عمومی و سازمانی، عدم‌النفع گاه ناشی از موانعی چون توقیف یا تعطیلی فعالیت تجاری، تحریم‌های مالی، نقض تعهدات دولتی یا قراردادهای سازمانی است. این مسائل می‌توانند موجب تفویت منافع بالقوه فراوانی شوند، که اگر مستند به فعل یا ترک فعل شخص ثالث باشد، موجب ضمان است، مشروط بر اینکه سبب، قوی و تأثیرگذار تلقی شود (مدرس، ۱۴۰۸، ص ۱۱۰).

تحلیل دقیق منابع فقهی نشان می‌دهد که ضمان در تفویت منفعت، با ارکان خاصی همراه است: احراز مشروعیت و قابلیت تحقق نفع، انتساب فعل به عامل، و عدم تحقق نفع در نتیجه آن. اگر این ارکان احراز شود، فقیهانی همچون مدرس، بجنوردی و برخی

متأخران، قاعده لاضرر و سیره عقلا را برای اثبات ضمان کافی می‌دانند (مدرس، ۱۴۰۸ق؛
بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴).

دیدگاه‌های فقهی درباره خسارت عدم النفع

تحلیل دیدگاه‌های فقهی درباره خسارت عدم النفع مستلزم تفکیک دو مسئله است: نخست آنکه آیا تقویت منفعت، نوعی ضرر تلقی می‌شود؟ و دوم، در صورت اثبات ضرر بودن، آیا ضمان و لزوم جبران بر آن مترتب می‌شود؟ فقه امامیه در طول قرون گذشته با تکیه بر اصول و قواعدی چون اتلاف، تسبیب، ید، لاضرر، و سیره عقلا به بررسی این دو پرسش پرداخته است.

۱. دیدگاه مشهور فقها: انکار ضمان در عدم النفع

اکثر فقهای متقدم و مشهور امامیه، جبران خسارت ناشی از عدم النفع را مردود دانسته‌اند. آنان بر این باورند که صرف فقدان نفع، بدون تحقق عینی یا استیفای آن، مصداق ضرر مالی نیست و قواعدی چون اتلاف و تسبیب بر آن انطباق ندارد. نجفی در جواهر الکلام تصریح می‌کند که منافع تا زمانی که بالفعل حاصل نشده‌اند یا مورد استیفا قرار نگرفته‌اند، موضوع ضمان نیستند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۱۵). رشتی نیز همین دیدگاه را تقویت کرده و تقویت نفع را داخل در عنوان «مال تلف شده» نمی‌داند (رشتی، ۱۳۲۲ق، ص ۲۱).

آیت‌الله خویی در مصباح الفقاهه، تفصیل دقیق‌تری ارائه می‌دهد. او قاعده ید را ناظر به عین می‌داند، و از آنجا که انسان آزاد موضوع ید واقع نمی‌شود، پس منافع ناشی از وی نیز مشمول ضمان نخواهد بود. همچنین، اتلاف را ناظر به از بین رفتن موجود بالفعل دانسته و معتقد است که تقویت نفع، در صورتی که منجر به استیفای مستقیم نفع نشود، خارج از شمول این قاعده است (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶).

در همین راستا، امام خمینی رحمه الله نیز در تحریر الوسیله، اشاره می‌کنند که اگر صنعت‌گر یا تاجر محبوس گردد و از منافع او استفاده نشود، ضامن نخواهد بود؛ مگر در صورت

استیفا (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶). این دیدگاه، بر تفکیک میان تفویت نفع و استیفای نفع تأکید دارد و تنها در حالت دوم، حکم به ضمان را قابل اثبات می‌داند.

۲. دیدگاه غیر مشهور: جبران‌پذیری عدم‌النفع

در مقابل، برخی فقهای معاصر و معدودی از فقهای متقدم، با تفسیری موسع از قواعد فقهی، قائل به جبران‌پذیری تفویت منفعت مشروع هستند. مهمترین مبنای این گروه، قاعده لاضرر است. براساس این قاعده، هرگونه ضرری که بر دیگری وارد شود، باید دفع یا جبران گردد؛ خواه به صورت مباشرت یا تسبیب باشد. مدرس در الرسائل الفقهیه، صراحتاً تصریح می‌کند که اگر منافع مشروعی در معرض تحقق بوده و در اثر فعل غیر از بین رفته باشد، این امر مشمول قاعده لاضرر و سیره عقلایی است (مدرس، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۰).

از دیگر مبانی مورد استناد، بنای عقلا است. عقلا، در روابط اجتماعی و اقتصادی، صرف تفویت نفع مشروع را نیز موجب جبران خسارت می‌دانند. فقهای چون بجنوردی، سیره عقلا را معیار پذیرش ضمان در بسیاری از مصادیق نوپدید تلقی کرده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴). مطابق این دیدگاه، حتی اگر در منابع روایی نص خاصی وجود نداشته باشد، بنای عقلا در پذیرش ضمان، حجت تلقی می‌شود. افزون بر این، حکم عقل نیز بر لزوم جبران چنین ضرری دلالت دارد. عقل مستقل، قبح تفویت مال غیر بدون جبران را درک می‌کند. بویژه در فرضی که عامل زیان، با علم به تحقق منفعت، سبب از بین رفتن آن شود.

۳. تحلیل تطبیقی دو دیدگاه

وجه مشترک هر دو دیدگاه آن است که ضمان در تفویت منافع، منوط به تحقق ارکانی چون مشروعیت نفع، قابلیت تحقق، و انتساب به عامل زیان است. تفاوت اساسی در نوع تفسیر از اطلاق قواعد است: دیدگاه مشهور با رویکرد احتیاطی و نص‌محور، تفویت نفع را خارج از مصادیق ضمان دانسته و تنها در فرض استیفا، حکم به جبران

می دهد. اما دیدگاه غیر مشهور، با اتکا به سیره عقلا، لاضرر و تحلیل عرفی ضرر، تفویت را نیز ذیل ضمان می برد.

به نظر می رسد در فضای جدید روابط اقتصادی و سازمانی، که منافع قراردادی و انتظاری بخش مهمی از سرمایه های شرکت ها را تشکیل می دهد، پذیرش دیدگاه دوم می تواند گره گشا باشد. بویژه در مواردی که اسناد بالادستی حقوقی مانند کنوانسیون های بین المللی نیز همین مسیر را اتخاذ کرده اند. البته، پذیرش این رویکرد مستلزم تنقیح دقیق معیارهای مشروعیت و تحقق نفع است تا از اطلاق بی ضابطه حکم به ضمان جلوگیری شود.

تحلیل حقوقی خسارت عدم النفع در نظام های حقوقی مختلف

در نظام های حقوقی پیشرفته، جبران خسارت عدم النفع به عنوان یکی از اجزای مهم اصل جبران کامل خسارت مورد توجه قرار گرفته است. این اصل که در حقوق تطبیقی با عنوان Full Compensation Principle شناخته می شود، بر آن است که زیان دیده باید به وضعیتی بازگردد که اگر تخلف یا فعل زیان بار رخ نداده بود، در آن وضعیت قرار داشت. این رویکرد، هم در نظام های رومی ژرمنی و هم در نظام کامن لا پذیرفته شده است (Treitel, 2003).

در نظام های رومی ژرمنی (مانند فرانسه و آلمان)، تفویت منفعت مشروع یک مصداق واضح از خسارت مالی تلقی می شود. در قانون مدنی فرانسه، ماده ۱۱۴۹ صراحتاً بیان می دارد که خسارت شامل نفع از دست رفته نیز می شود. (perte d'une chance) رویه قضایی آلمان نیز، دادگاه ها در صورتی که وقوع نفع آینده محتمل و مشروع باشد، عامل تفویت را ملزم به جبران آن دانسته اند. در این نظام ها، قواعد تفصیلی درباره معیارهای احراز «نفع قابل تحقق»، همچون احتمال وقوع، مشروعیت نفع، و رابطه علیت، تنظیم شده اند و قاضی در مقام احراز، می تواند از کارشناسی مالی استفاده کند (بادینی، ۱۳۸۴، صص ۳۲۵-۳۲۲).

در نظام های کامن لا (مانند انگلستان و ایالات متحده)، عدم النفع تحت

عنوان Expectation Damages بررسی می‌شود. براساس اصول این نظام، اگر متعهد از اجرای قرارداد تخلف کند، باید زیان‌دیده را در جایگاه مالی قرارداده‌شده قرار دهد، حتی اگر نفع مورد انتظار هنوز محقق نشده باشد. دادگاه‌های این نظام با تمسک به قواعد انصاف و نظریه تقصیر، نه تنها تفویت نفع، بلکه حتی فرصت‌های سودآور از دست رفته را نیز قابل جبران می‌دانند، مشروط بر اینکه عنصر پیش‌بینی‌پذیری (foreseeability) رعایت شده باشد (Treitel, 2003).

در اسناد بین‌المللی نیز این رویکرد تأیید شده است. ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) به روشنی اعلام می‌کند که خسارت شامل نفعی است که در صورت اجرای قرارداد قابل تحقق بوده است. همچنین در «نظر مشورتی شماره ۶ شورای مشورتی کنوانسیون» آمده است که عدم‌النفع زمانی قابل جبران است که متعارف و معقول و در حدود انتظار طرفین باشد (CISG Advisory Council Opinion No. 6).

نقطه اشتراک این نظام‌ها، پذیرش اصل امکان تحقق نفع است؛ یعنی صرف عدم تحقق نفع در آینده مانع جبران نیست، بلکه باید ارکان آن چون مشروعیت، قابلیت پیش‌بینی، و انتساب فعل به عامل احراز شود. نقطه افتراق آنها نیز در شیوه ارزیابی خسارت است: در حقوق مدنی، روش‌های کارشناسی دقیق‌تر است؛ در کامن‌لا، ارزیابی عرفی و مبتنی بر عدالت دادگاهی است.

بررسی تطبیقی این نظام‌ها نشان می‌دهد که حقوق ایران در بخش‌هایی از این الگوها بهره گرفته، ولی در زمینه عدم‌النفع با ابهام‌های قابل توجهی مواجه است. مواد قانونی خاصی که به صراحت از جبران عدم‌النفع حمایت کند، وجود ندارد و رویه قضایی نیز به‌طور یکدست عمل نکرده است. در عین حال، ظرفیت‌های موجود در نظریه‌های فقهی و قواعد عمومی مسئولیت مدنی (مانند ماده ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی) می‌تواند با الهام از این نظام‌ها تکمیل و به‌روزرسانی شود.

در نهایت، با توجه به تحولات اقتصادی، افزایش قراردادهای تجاری، و تنوع فعالیت‌های سازمانی، بویژه در حوزه فناوری و خدمات، تفویت منافع مشروع به‌عنوان بخش مهمی از خسارت‌های نوپدید باید مورد توجه نظام حقوقی ایران قرار گیرد.

تجربیات موفق نظام‌های تطبیقی نشان می‌دهد که پذیرش کنترل‌شده و ضابطه‌مند جبران عدم‌النفع نه تنها موجب ارتقای عدالت، بلکه عاملی مهم در پیشگیری از بروز دعاوی ثانویه و افزایش اعتماد به نظام قضایی است.

ارزیابی تطبیقی ضمان خسارت عدم‌النفع در نظام‌های حقوقی و فقه امامیه

ضمان خسارت عدم‌النفع به عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی در حقوق نوین، در بیشتر نظام‌های پیشرفته و اسناد بین‌المللی پذیرفته شده و در فضای تعاملات تجاری نقشی تعیین‌کننده یافته است. در کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا (CISG)، ماده ۷۴ به صراحت اعلام می‌دارد که «زیان شامل منافی است که از دست رفته‌اند (UNCITRAL Secretariat, 1980) این نگرش در اصول یونیدروا نیز مشهود است؛ ماده ۲-۴-۷، زیان را دربرگیرنده بر «سود فوت‌شده و ضرر غیرمالی» دانسته که باید به صورت کامل جبران شود. (UNIDROIT, 2016).

نظام حقوقی رومی-ژرمنی، همچون حقوق فرانسه و آلمان، با تمایز دقیق میان ضرر فعلی (Damnum Emergens) و منافی که در اثر فعل زیان‌بار فوت شده‌اند (Lucrum Cessans)، مبنای مسئولیت را گسترده‌تر می‌نگرد. ماده ۱۲۳۱-۲ قانون مدنی فرانسه، منافی را که شخص از آن محروم شده است، قابل جبران می‌داند و قانون آلمان در ماده GBG 252 سودهای قابل انتظار در جریان عادی امور را شامل خسارت معرفی می‌کند. این رویکرد تحلیل گرانه و مبتنی بر پیش‌بینی عرفی، امکان سنجش و محاسبه‌ی دقیق‌تر ضرر را برای مراجع قضایی فراهم کرده است.

در حقوق انگلیس نیز، ضابطه‌ی «Expectation Damages» که در آثار Treitel مورد بحث قرار گرفته، زیان‌دیده را مستحق موقعیتی می‌داند که در فرض اجرای تعهد در آن قرار می‌گرفت (Treitel, Law of Contract, 2003, p937). در این چارچوب، نه تنها زیان مستقیم، بلکه منافع از دست‌رفته و حتی خسارت معنوی نیز تحت ضمان قرار می‌گیرند.

در این میان، فقه امامیه با رویکردی مبتنی بر تفکیک مفهومی، میان فوات و تفویت و نیز منافع مستوفی و غیر مستوفی، نگرشی احتیاط‌آمیز اتخاذ کرده است. مشهور فقها،

ضمان را در مواردی مانند حبس اجبر یا جلوگیری از فروش کالا که منفعتی بدون استیفاء از دست رفته باشد، نمی‌پذیرند. مستندات این دیدگاه بر نبود مالیت در منافع غیر معوض، عدم شمول قواعد اتلاف و تسبیب، و تردید در صدق ضرر عرفی استوار است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۱۵ و ۴۰؛ رشتی، ۱۳۲۲ق، ص ۲۲؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۲۸).

در مقابل، دیدگاه غیر مشهور از جمله نظریه‌ی شهید سیدحسن مدرس در کتاب الرسائل الفقهیه، با استناد به قاعده لاضرر، حکم عقل و بنای عقلا، تفویت منافع مشروع را مصداق ضرر دانسته و عامل آن را ضامن معرفی می‌کند (مدرس، ۱۴۰۸ق، صص ۱۱۰-۱۱۱). ایشان تصریح می‌کند که عرف در موضوع ضرر صاحب تشخیص است و منافع فوت‌شده از نظر عرف به‌طور قطع ضرر محسوب می‌شود؛ بنابراین قاعده لاضرر شامل این موارد نیز خواهد بود. همچنین بیان می‌دارد که اگر اجماعی در عدم ضمان وجود نداشته باشد، مقتضای عرف و عقل اثبات ضمان است.

مؤید این نگرش عرفی در اسناد بین‌المللی نیز وجود دارد. دبیرخانه کنفرانس وین در تفسیر رسمی ماده ۷۴ CISG، فلسفه‌ی ماده را قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت اجرای تعهد معرفی می‌کند (Secretariat Commentary to Art. 74). شورای مشورتی CISG نیز در نظر مشورتی شماره ۶، این ماده را بیانگر اصل «جبران کامل خسارت» دانسته و سودهای از دست‌رفته را قابل مطالبه معرفی می‌کند. اصول قراردادهای اروپا نیز ماده ۵۰۲ - ۹ را به گونه‌ای تنظیم کرده که با اصل بازگرداندن متعهدله به وضعیت ایفا منطبق است (PECL, 2002).

از ویژگی‌های ممتاز فقه امامیه، اخلاقی‌سازی ضمان و تکیه بر مفاهیم بنیادین چون عدالت الهی و قبح ظلم است. نظریات صاحب ریاض، علامه بهبهانی و مدرس به وضوح از این رویکرد پیروی کرده‌اند و با تأکید بر عرف و بنای عقلا، به اثبات ضمان عدم‌النفع پرداخته‌اند (بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۱۴؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۰۸؛ مدرس، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۰). با این حال، از نقاط ضعف فقه امامیه در مقایسه با نظام‌های حقوقی مدرن، عدم تعریف روش‌مند از منافع غیر مستوفی و فقدان سازوکار کارشناسی برای ارزش‌گذاری منفعت اقتصادی است. برخلاف حقوق تطبیقی که ملاک را در قابلیت تحقق منفعت

می‌داند، فقه امامیه به معاوضه و استیفاء مقید می‌ماند و این امر مانعی در پذیرش گسترده ضمان محسوب می‌شود (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۴۱).

در نهایت، ظرفیت همگرایی میان فقه امامیه و نظام‌های حقوقی مدرن در پذیرش ضمان عدم‌النفع بویژه در بستر عرفی قابل مشاهده است. با بهره‌گیری از نظریات نوگرایانه، بازتعریف مفاهیم مالکیت و منفعت، و تدوین ضوابط عقلایی، فقه اسلامی می‌تواند گام مؤثری در ایجاد تعامل سازنده با حقوق بین‌الملل بردارد و در عین حفظ مبانی شرعی، پاسخ‌گوی تحولات اقتصاد جهانی باشد.

تطبیق فقه و حقوق ایران

مسئله جبران خسارت ناشی از عدم‌النفع در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران از منظر مبانی نظری، روش تحلیل و نتیجه‌گیری، با چالش‌هایی مواجه است. از سویی، دیدگاه غالب فقهی به دلیل تکیه بر تحقق عینی ضرر، تفویت منفعت را مصداق ضمان تلقی نمی‌کند، و از سوی دیگر، قانون‌گذار ایرانی نیز به صراحت در مواد قانونی از جبران عدم‌النفع سخن نگفته است. این دوگانگی، باعث شده است که در عمل نیز رویه قضایی دچار تردید و تذبذب در احکام مربوط به این موضوع گردد.

همان‌گونه که در تحلیل فقهی پیشین مطرح شد، دیدگاه مشهور فقها بر آن است که منافع آینده تا وقتی استیفا یا تحقق نیافته‌اند، مشمول ضمان نیستند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۱۵؛ خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶). اما دیدگاه‌های جدیدتر فقهی، با تکیه بر قواعدی مانند لاضرر، سیره عقلا و حکم عقل، جبران این نوع خسارت را در شرایطی خاص ممکن می‌دانند (مدرس، ۱۴۰۸ق؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴). این اختلاف، زمینه‌ساز تفاوت رویکرد در تدوین یا اجرای قواعد حقوقی مرتبط شده است.

در حقوق ایران نیز، با وجود پیشرفت در حوزه‌های مرتبط با مسئولیت مدنی، همچنان خلأ صریحی در زمینه عدم‌النفع وجود دارد. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی به عمد یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون

برای افراد ایجاد شده لطمه‌ای وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. این ماده ظرفیت پذیرش عدم‌النفع را دارد، مشروط به آنکه در تفسیر «لطمه به مال یا حق» بتوان تفویت منفعت را داخل دانست.

همچنین در ماده ۳۲۸ قانون مدنی آمده است: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن است...». اگرچه نص ظاهر ماده ناظر به عین است، اما برخی دکترین‌های حقوقی (مانند: کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۳۱) با تحلیل موسع، تفویت منفعت مسلم را در مواردی، در شمول این ضمان دانسته‌اند. رویه قضایی نیز در مواردی، مانند قراردادهای پیمانکاری، به جبران خسارت عدم‌النفع رأی داده است، اگرچه این آراء غالباً به صورت پراکنده و موردی‌اند و از وحدت رویه برخوردار نیستند.

چالش دیگر، تطابق نداشتن مفاهیم فقهی با ساختارهای حقوقی نوین است. برای مثال، فقه کلاسیک نسبت به ساختارهایی چون شرکت‌های تجاری، قراردادهای مشارکت مدنی، یا پروژه‌های فناورانه، الگوهای تحلیل مشخصی ارائه نکرده است. این در حالی است که در بسیاری از دعاوی امروزی، منافع از بین رفته در قالبی قراردادی، آینده‌نگر و سازمانی تعریف می‌شود که با مفاهیم سنتی فقه، به راحتی قابل تحلیل نیست.

از این رو، نقطه اتصال فقه و حقوق ایران، نوسازی اجتهادی در حوزه مسئولیت مدنی است. اجتهادی که با تکیه بر قواعد کلان مانند لاضرر، مصالح نوعیه، و بنای عقلا بتواند تفویت منفعت را در ساختارهای مدرن، ذیل عنوان ضرر قابل جبران تفسیر کند. این رویکرد، نه تنها با اصول شرعی معارض نیست، بلکه با مقتضیات عدالت اجتماعی و ضرورت‌های اقتصادی جامعه امروز نیز هماهنگ است.

در نهایت، پذیرش جبران عدم‌النفع در حقوق ایران، نیازمند دو مسیر مکمل است: نخست، تحول اجتهادی در فقه امامیه برای بازشناسی تفویت منفعت به عنوان ضرر؛ دوم، تفسیر موسع و هدف‌گرایانه از قوانین مسئولیت مدنی در حقوق ایران. تحقق این دو مسیر، راه را برای تدوین قواعد روشن، منسجم و عادلانه در زمینه جبران عدم‌النفع فراهم خواهد ساخت.

تحلیل اقتصادی عدم جبران خسارت عدم النفع

یکی از ابعاد مغفول مانده در تحلیل های سنتی فقهی و حقوقی در ایران، توجه به پیامدهای اقتصادی نادیده گرفتن جبران خسارت عدم النفع است. در واقع، عدم پذیرش این نوع خسارت، نه تنها آثار فردی بر زیان دیده دارد، بلکه پیامدهای اقتصادی گسترده ای در سطح سازمانی و ملی بر جای می گذارد.

در سطح خرد، زمانی که سازمان ها یا بنگاه های اقتصادی نتوانند منافع از دست رفته ناشی از رفتارهای متخلفانه دیگران را جبران کنند، دچار کاهش بهره وری، تضعیف نقدینگی، و کاهش تمایل به ورود به قراردادهای بلندمدت می شوند. این امر بویژه در حوزه هایی مانند تولید، بازرگانی، سرمایه گذاری مشترک و حتی استارت آپ ها، تأثیر مستقیم بر نوآوری، توسعه فعالیت ها و ثبات اقتصادی سازمان ها دارد. امام خمینی علیه السلام نیز با اشاره به قبح ظلم و ضرورت انصاف، تصریح می کند که تفویت منافع مشروع، در صورتی که به طور عمدی یا با تقصیر صورت گیرد، جبران پذیر است، زیرا عدم جبران، منجر به بی عدالتی و اختلال در روابط مالی می شود (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶).

در سطح کلان، عدم جبران منافع از دست رفته، منجر به کاهش اعتماد عمومی به نظام حقوقی و قضایی شده و به نوعی ریسک نهادی در اقتصاد وارد می کند. سرمایه گذاران داخلی و خارجی، پیش از ورود به بازار، به ارزیابی نهادهای جبران خسارت توجه دارند. نبود سازوکار مشخص برای جبران عدم النفع، باعث افزایش هزینه های مبادله و فرار سرمایه می شود. بادینی (۱۳۸۴، صص ۳۲۵-۳۲۶) نیز بر همین اساس، فقدان نظام شفاف جبران خسارت را یکی از موانع مهم رشد حقوق اقتصادی در ایران می داند.

از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، نظریه هایی چون Law and Economics بر این باورند که نظام های حقوقی باید ساختارهای انگیزشی کارآمدی فراهم کنند تا از رفتارهای زیان بار جلوگیری شود. در این دیدگاه، عدم جبران خسارت عدم النفع، پیام نادرستی به ناقضان تعهدات می فرستد؛ چراکه آنان در صورت تفویت منافع دیگران، مسئولیت

ملموسی نخواهند داشت. چنین وضعیتی علاوه بر افزایش رفتارهای فرصت طلبانه، عدالت توزیعی را نیز خدشه دار می سازد.

یکی از ابزارهای کارآمد برای کاهش آثار اقتصادی عدم النفع، توسعه بیمه های حرفه ای و قراردادی است. چنان که بادینی نیز پیشنهاد می دهد، بیمه های خاص می توانند با شناسایی خسارت ها ناشی از تفویت منافع، نظام جبران را کارآمدتر کنند (بادینی، ۱۳۸۴، صص ۳۲۵-۳۲۶). با این حال، بهره مندی مؤثر از ابزار بیمه ای، مشروط به شناسایی رسمی عدم النفع به عنوان خسارت قابل جبران در فقه و حقوق است.

افزون بر آن، نبود جبران قانونی برای عدم النفع، منجر به افزایش دعاوی غیرمؤثر، اطاله دادرسی، و هزینه های ترافیعی نیز می گردد. در صورت فقدان تفسیر جامع از قاعده لاضرر و اصول انصاف، نظام قضایی با افزایش تقاضای نامناسب برای جبران های غیرمتعارف مواجه خواهد شد؛ امری که خود بار اقتصادی مضاعفی بر بودجه عمومی تحمیل می کند.

در نهایت، آثار اقتصادی عدم جبران عدم النفع، نه تنها در قالب زیان های فردی و سازمانی، بلکه در شاخص های کلان همچون کاهش سرمایه گذاری، رکود بازارهای خدماتی، و حتی افت تولید ناخالص داخلی نمایان می شود. لذا از منظر اقتصاد اسلامی نیز، که بر عدالت، پیشگیری از ضرر و حمایت از نظم اجتماعی تأکید دارد، ضرورت دارد این نوع خسارت تحت قواعد ضمان فقهی و ساختار حقوقی شناسایی و اجرایی شود.

قاعده مندی تفویت منفعت سازمانی در فقه

در فقه امامیه، اصل ضمان در صورت تفویت منافع، همواره یکی از چالش برانگیزترین مباحث بوده و عمدتاً در حوزه روابط اشخاص حقیقی بررسی شده است؛ با این حال، با گسترش نهادهای حقوقی و سازمان ها، پرسش از امکان ضمان در فرض محروم سازی این نهادها از منافع مشروع، بویژه در قالب ترک فعل، سوءتدبیر یا ایجاد مانع غیرمستقیم، جایگاه ویژه ای یافته است. در چنین فضایی، روشن ساختن این نکته ضروری است که

آیا فقه امامیه توان تبیین قاعده‌مند ضمان در تفویت منافع سازمانی را دارد یا خیر؟ و اگر دارد، مبانی آن کدام‌اند و تا چه حد قابلیت انطباق با سازوکارهای حقوقی مدرن را دارا هستند؟

یکی از مهمترین مبانی اثبات ضمان در این مسئله، قاعده لا ضرر است. این قاعده که مبتنی بر روایت مشهور «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۴؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۴۷)، در فقه کاربرد گسترده‌ای دارد. فقهایمانند شیخ انصاری، نائینی و امام خمینی^{علیه السلام}، این قاعده را به عنوان یکی از ادله اثبات ضمان در مواردی دانسته‌اند که فعل یا ترک فعل شخصی منجر به ورود ضرر شود، حتی اگر تلف عین اتفاق نیفتاده باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۷۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۹۱؛ خمینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۴۱). در ساختار سازمانی، اگر مدیری یا طرفی ثالث به گونه‌ای اقدام کند که مانع تحقق درآمدهای قابل انتظار سازمان شود - مثلاً با جلوگیری از انعقاد قرارداد یا تأخیر در اجرای پروژه - این امر عرفاً مصداق ضرر است و مشمول قاعده لا ضرر خواهد شد.

افزون بر این، قاعده تسبیب نیز از جایگاه ویژه‌ای در بحث ضمان تفویت منفعت برخوردار است. در فقه امامیه، هرگاه فعل شخصی به گونه‌ای غیرمستقیم سبب ورود ضرر شود و عرفاً به او مستند باشد، ضامن شناخته می‌شود. فقهایمان همچون صاحب جواهر در مقام توضیح قاعده تسبیب تأکید می‌کنند که اگر سبب اقوی از مباشر نباشد ولی عرفاً بتوان ضرر را به او نسبت داد، ضمان ثابت می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۲۲۵). در فضای سازمانی، این معنا به رفتارهایی چون ترک اقدام به موقع، عدم ایفای تعهد، افشای اطلاعات تجاری یا مداخله در پروژه‌های اقتصادی سازمان قابل تسری است. بر همین اساس، اگر چنین اقداماتی به محروم شدن سازمان از منفعتی مشروع منجر شود، مشمول تسبیب است و موجب ضمان می‌گردد.

از سوی دیگر، سیره عقلا نیز از ادله مورد پذیرش فقهای امامیه در تأیید ضمان در تفویت منافع به شمار می‌رود. عرف عقلایی در ساختارهای اقتصادی مدرن، تفویت منافع مسلم‌الوقوع (نه موهوم) را مصداق بارز خسارت می‌داند. فقهایمان چون آیت‌الله خویی، شهید صدر و علامه طباطبایی در موارد متعدد، به حجیت و بنای عقلایی در اثبات ضمان

تمسک جسته‌اند و عرف را معیار قضاوت درباره ضرر و ضمان دانسته‌اند (صدر، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۷۲؛ خویی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۹۰). سیره عقلا در حوزه قراردادهای تجاری، جبران سود تفویضی را امر رایج و پذیرفته‌شده می‌داند، و این رویکرد در فقه امامیه نیز تأیید شده است.

افزون بر این، قاعده «اتلاف» نیز در مواردی که محروم‌سازی از منفعت به‌صورت فعل ایجابی و مستقیم رخ دهد (مانند تعطیلی غیرقانونی محل کسب سازمان)، می‌تواند مبنای ضمان باشد. در روایات و منابع فقهی آمده است که «من أُلِف مال الغير فهو له ضامن» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۱۲۰)، و برخی از فقها مانند علامه حلی در قواعد الاحکام، تصریح کرده‌اند که اگر منفعت متقوم و مقصود اصلی باشد و تفویض آن ناشی از فعل متعدی باشد، ضامن خواهد بود (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۲).

در کنار این قواعد، قاعده ید نیز در فرضی که طرف مقابل بر مالی یا موقعیتی سلطه پیدا کرده و از آن در راستای محروم‌سازی غیرموجه از منفعت استفاده کند، قابلیت اعمال دارد. مستند فقهی قاعده ید در اکثر کتاب‌های فقهی آمده و ضمان تصرف در منفعت را نیز دربر می‌گیرد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۹؛ شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۷۶). در فرضی مانند منع استفاده از تجهیزات اجاره‌ای سازمان یا اخلال در بهره‌برداری از ظرفیت‌های قراردادی، قاعده ید می‌تواند مبنای فقهی محکمی برای اثبات ضمان باشد.

برآیند این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که فقه امامیه، بر خلاف تصور برخی، تنها به تلف عین به‌عنوان منشأ ضمان نپرداخته، بلکه در پرتو قواعد لاضرر، تسبیب، ید، اتلاف و سیره عقلا، مبنای روشن و مستندی برای اثبات ضمان در تفویض منافع سازمانی فراهم آورده است. البته احراز ضرر، سببیت عرفی، مشروعیت منفعت و انتظارات قابل تحقق، شرایطی است که باید به‌صورت دقیق بررسی شود. در مجموع، می‌توان ادعا کرد که ضمان تفویض منافع سازمانی، از منظر فقه امامیه، قابلیت قاعده‌مندی داشته و در صورتی که اجتهاد فقهی با درک ماهیت حقوقی و ساختار سازمانی همراه شود، می‌توان راهکارهای فقهی معتبری برای جبران عدم‌النفع در سازمان‌ها ارائه کرد.

راهکارها و پیشنهادها

با توجه به تحلیل‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی ارائه‌شده، برای پذیرش و اجرای جبران خسارت ناشی از عدم‌النفع در فقه امامیه و حقوق ایران، باید مجموعه‌ای از اصلاحات در سه سطح فقهی، حقوقی و نهادی صورت گیرد.

۱. اصلاحات فقهی و اجتهادی

نخستین گام، بازنگری در تفسیر قواعد فقهی سنتی با رویکرد روزآمد و مسئله‌محور است. قواعدی چون «لاضرر»، «ضمان تفویت منفعت»، «تسیب»، و «بنای عقلا» ظرفیت آن را دارند که در پرتو شرایط اقتصادی و اجتماعی جدید، ناظر به جبران منافع از دست‌رفته تفسیر شوند. برای این منظور:

- بازخوانی تطبیقی متون فقهی متأخر با تحلیل‌های واقعی و عقلایی (مانند مدرس، بجنوردی، طباطبائی) ضروری است.
- در فقه معاملات، باید به رسمیت شناختن منفعت مسلم آینده در قالب مال موضوع ضمان، با شرایط دقیق، در دستور کار فقهی معاصر قرار گیرد.

۲. اصلاحات حقوقی و تقنینی

با توجه به فقدان نص صریح قانونی درباره عدم‌النفع در قوانین فعلی ایران، تدوین یا اصلاح مقررات در حوزه مسئولیت مدنی ضروری است:

- در اصلاح قانون مسئولیت مدنی، پیشنهاد می‌شود ماده‌ای مستقل به جبران خسارت تفویت منافع اختصاص یابد، مشروط به احراز مشروعیت و قابلیت تحقق نفع.
- رویه قضایی نیز باید به صورت وحدت‌رویه، مبنای جبران عدم‌النفع را از اصول کلی (مانند ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) استخراج و اعمال کند.
- تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مشخص برای ارزیابی میزان منافع قابل جبران، از جمله تعیین استانداردهای کارشناسی مالی، ضروری است.

۳. راهکارهای نهادی و حمایتی

در سطح سیاست گذاری و حکمرانی، توجه به نهادسازی برای حمایت از جبران عدم النفع اهمیت دارد:

- توسعه بیمه‌های تخصصی برای پوشش خسارت‌ها ناشی از عدم النفع در حوزه‌های خدماتی، فناوری و سرمایه گذاری.
- آموزش و توانمندسازی قضات، وکلا و مدیران سازمانی درباره مفهوم و ارکان اثبات خسارت عدم النفع از منظر فقهی و حقوقی.
- طراحی بانک اطلاعاتی رویه‌های قضایی و آراء مشابه در زمینه جبران منافع تفویضی، جهت استناد در دعاوی مشابه.

در مجموع، اجرای این راهکارها مستلزم هم‌افزایی میان نهاد اجتهاد، نظام قانون گذاری و نهادهای اجرایی و بیمه‌ای است. جبران خسارت عدم النفع، نه تنها گامی در جهت تحقق عدالت فردی و اقتصادی است، بلکه می‌تواند اعتماد عمومی به کارآمدی نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد.

نتیجه‌گیری

مسئله جبران خسارت ناشی از عدم النفع، یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در تقاطع میان فقه امامیه و حقوق ایران با نظام‌های حقوقی تطبیقی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند قول مشهور فقهای امامیه، ضمان ناشی از تفویض منافع را انکار کرده‌اند، اما با بهره‌گیری از قواعدی چون لاضرر، اتلاف، تسبیب، سیره عقلا و حکم عقل، می‌توان پذیرش جبران این نوع خسارت را در چارچوبی منضبط و قابل دفاع توجیه کرد.

بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی فرانسه، آلمان، انگلستان و اسناد بین‌المللی همچون CISG نشان می‌دهد که نفع از دست‌رفته در صورت احراز مشروعیت، قابلیت تحقق و انتساب به عامل زیان، به‌عنوان خسارت قابل جبران شناخته شده و براساس اصل

جبران کامل خسارت، مبنای حکم قرار می‌گیرد. در حقوق ایران، با وجود نبود صراحت قانونی، ظرفیت‌هایی چون ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، بنای عقلا و برخی رویه‌های قضایی، امکان پذیرش محدود این نوع خسارت را فراهم کرده‌اند.

تحلیل اقتصادی پژوهش نشان داد که عدم جبران منافع تفویضی متوقع، موجب کاهش بهره‌وری سازمانی، تضعیف اعتماد عمومی به نظام حقوقی، افزایش رفتارهای فرصت‌طلبانه، و لطمه به شاخص‌های کلان اقتصادی می‌شود. از این رو، شناسایی فقهی و حقوقی این نوع خسارت، نه تنها یک ضرورت علمی، بلکه یک الزام ساختاری برای عدالت اقتصادی و اجتماعی است.

نوآوری این پژوهش، در تحلیل ساختارمند قواعد فقهی مانند لاضرر، تسبیب، اتلاف، ید و سیره عقلا، از منظر کارکرد آنها در بستر سازمان‌های نوین نهفته است. برخلاف مطالعات پیشین که تنها به کلیات یا جنبه‌های فردی این قواعد پرداخته‌اند، در این مقاله تلاش شده است تا این مفاهیم فقهی با ملاحظات نهادی و سازمانی بازخوانی شود. از جمله، قاعده لاضرر نه تنها به عنوان یک قاعده نفی حکم، بلکه به مثابه ابزار احقاق حق در تفویض منافع سازمانی تحلیل شده و قاعده تسبیب با تأکید بر تعدد اسباب و مسئولیت‌های سلسله‌مراتبی در سازمان‌ها به کار گرفته شده است. همچنین، نقش سیره عقلا در پذیرش عرفی ضمان عدم النفع در ساختارهای مدرن سازمانی، یکی از نکات بدیع این پژوهش به شمار می‌رود.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر گامی در جهت توسعه نظام اجتهادی فقه امامیه در حوزه حقوق مسئولیت مدنی سازمان‌ها برداشته و می‌کوشد با تلفیق مفاهیم سنتی و اقتضائات جدید، الگوی قابل دفاعی برای جبران خسارت عدم النفع در چارچوب فقهی ارائه دهد.

در پایان، برای تحقق کارآمد جبران خسارت عدم النفع، بازنگری اجتهادی در منابع فقهی، اصلاح قانون مسئولیت مدنی، نهادسازی بیمه‌ای، و آموزش حقوق دانان ضروری است. این مسیر، می‌تواند جایگاه فقه اسلامی را در حل مسائل مستحدثه اقتصادی تقویت کرده و بر اقتدار علمی و عملی نظام حقوقی کشور بیفزاید.

فهرست منابع

- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۰۳ق). المکاسب. قم: مکتبه العروة الوثقی.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). المکاسب. قم: دفتر نشر اسلامی.
- بادینی، حسن. (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بجنوردی، محمدحسن. (۱۴۱۹ق) القواعد الفقهیه. قم: دارالفکر.
- بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۱۷ق). حاشیه مجمع البرهان. قم: نشر اسلامی.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱). ضمان قهری با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب و نظام‌های حقوقی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۰۸ق). کتاب البیع. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق) تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۷ق). مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه امام صادق.
- خویی، سیدابوالقاسم. (بی‌تا). مصباح الفقاهه (المکاسب) (محقق: محمدعلی توحیدی). بی‌جا: بی‌نا.
- رشتی، میرزا حبیب‌الله. (۱۳۲۲ق). کتاب الغصب. تهران: چاپ سنگی.
- زنگنه شهرکی، جعفر. (۱۳۹۷). جبران خسارت تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- سید فاطمی، سیدحسین. (۱۳۹۳). حقوق قراردادهای اداری. تهران: میزان.

- شاهرودی، سید محمود. (۱۴۱۹ق). کتاب القضاء. قم: نشر دارالعلم.
- صدر، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). بحوث فی شرح العروة الوثقی. قم: دارالفکر.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- طباطبایی، سیدعلی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (ط-الحديثه). قم: مؤسسه آل‌البيت.
- عباسی، علی. (۱۳۹۱). حقوق سازمان‌ها. تهران: سمت.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی: شخصیت حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری. تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مدرس، سیدحسن. (۱۴۰۸ق). الرسائل الفقهیه. تهران: ستاد بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت مدرس.
- مراغی، محمدتقی. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: مؤسسه دارالقرآن.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۷ق). أنوار الفقاهه: کتاب إيجاز. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی بجنوردی، محمد. (۱۴۰۸ق). القواعد الفقهیه. قم: مؤسسه المرتضی.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هیتو، محمدحسن. (بی تا). الضمان فی الفقه الاسلامی. بیروت: دارالبشائر الاسلامیه.

- Treitel, G. H. (2003). *The law of contract* (11th ed.). London: Sweet & Maxwell.
- France. (n.d.). *Civil Code*, art. 1231-2 (G. Rouhette, Trans.). Retrieved from <https://www.legifrance.gouv.fr>
- Germany. (n.d.). *Bürgerliches Gesetzbuch* (BGB), § 252. Retrieved from <https://www.gesetze-im-internet.de/bgb>
- United Nations. (1980). *United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods* (CISG), art. 74. Retrieved from <https://uncitral.un.org>
- CISG Advisory Council. (2006). Opinion No. 6: Calculation of damages under CISG Article 74. Retrieved from <https://cisgac.com>
- UNCITRAL Secretariat. (1978). Commentary on Article 74 of the 1978 *Draft Convention on Contracts for the International Sale of Goods*. Retrieved from <https://uncitral.un.org>
- UNIDROIT. (2016). UNIDROIT principles of international commercial contracts (UPICC), art. 7.4.2. Retrieved from <https://www.unidroit.org>
- Commission on European Contract Law. (2002). *Principles of European contract law* (PECL), art. 9:502. Retrieved from <https://www.europeancontractlaw.eu>